



فوائد غیبت و امام غائب

مہدی نیلی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فوائد

امام غائب

مہدی نیلی پور



انتشارات سلسبیل

فوائد غیبت و امام غائب

نویسنده: مهدی نیلی پور

ناشر: سلسبیل

چاپ: ظهور

نوبت چاپ: اول (تابستان ۸۷)

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

بهاء: ۶۰۰ تومان

شابک: ۱-۷۵-۸۹۰۳-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

شعبه اصفهان - تلفن: ۲۲۵۵۱۱۵-۹

موسسه فرهنگی انتشاراتی سلسبیل ۰۹۱۲۲۵۳۰۹۰۶

کلیه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

| | |
|--|----|
| مقدمه | ۴ |
| امام غائب، خورشید پشت ابرها | ۵ |
| فوائد امام غائب: | ۱۲ |
| ۱. امام غائب، نعمت باطنی | ۱۲ |
| ۲. هدایت‌گری باطنی امام غائب | ۱۴ |
| ۳. فواید تکوینی و تشریحی امام غائب | ۱۷ |
| ۴. عامل بازدارندگی (تقویت حس تقوی) | ۲۲ |
| ۵. امداد رسانی به مؤمنین | ۲۳ |
| ۶. افاضه فیض در تشرفات | ۲۵ |
| ۷. امام غائب ناظر اندیشه و رفتار | ۳۰ |
| ۸. کانون امید و پایداری شیعه و مکتب او | ۳۴ |
| ۹. امنیت از عذاب | ۳۶ |
| ۱۰. مهدی <small>علیه السلام</small> ، صاحب لیلۃ القدر | ۳۷ |
| ۱۱. ارتباط قلمی با امام عصر <small>علیه السلام</small> | ۳۹ |
| ۱۲. نقطه هراس دشمنان و ستمگران | ۴۲ |
| ۱۳. تنظیم امور فرشتگان ارضی (زمینی) | ۴۴ |
| ۱۴. ادعیه امام غائب در حق مؤمنین و استجابت دعاها | ۴۵ |
| فوائد غیبت: | ۴۹ |
| ۱. پرورش نیرو | ۴۹ |
| ۲. رشد عقلانی شیعه و اجتهاد دینی | ۵۰ |
| ۳. ثواب و افزایش ضریب پادشهای مؤمنین | ۵۲ |
| ۴. شکست سیاستهای ناپاک و مطالبه سیاست پاک | ۵۴ |
| منابع | ۵۶ |

مقدمه

یکی از مباحث مهم در عرصه معارف مهدویت، تبیین و تحلیل فوائد امام غائب و آثار و منافع غیبت امام عصر علیه السلام است، چرا که تصدیق به وجود و برکات وجودی ایشان، میل خداپرستی و انگیزه ولایت محوری را در ما تقویت و مضاعف می‌گرداند و شوق فداکاری در طریق رضایت حضرت را در ما چند برابر می‌سازد. از سوئی غفلت از وجود و حضور ایشان که ناشی از غیبت و طولانی شدن دوران غیبت است، برای ما عوارض و آسیب‌های فراوانی را به دنبال خواهد داشت، به همین دلیل حضرت آیت الله جوادی آملی می‌فرمایند: «در هنگام گفتگوی از حضرت بگویند: مهدی موعود موجود.»

عوارض عدم توجه به وجود مؤثر حضرت:

۱. عدم توجه و توسل به حضرت
۲. تقویت روحیه انکار حضرت
۳. معصیت خدا و مخالفت علمی و عملی با دین خدا و اولیاء خدا
۴. عدم تلاش در مسیر منویات و تحقق بخشیدن به خواسته‌های حضرت
۵. عدم بهره‌مندی از منافع وجودی خاص حضرت
۶. کوتاهی در ادای حقوق امام عصر علیه السلام در دوران غیبت

در بخش اول این کتاب در تلاشیم تا با الهام از آیات و روایات، اثرات وجودی حضرت بقیه الله را در دوران غیبت تحت عنوان «فوائد امام غائب» مورد بررسی قرار داده و معرفی نمائیم، و در بخش دوم به «فوائد و منافع غیبت امام عصر علیه السلام» اشاره خواهیم کرد.

مهدی نیلی‌پور

امام غائب خورشید پشت ابرها

یکی از زیباترین، ساده‌ترین و مؤثرترین روشهای ارائه معارف دینی، استفاده از روش تشبیه و تمثیل است. بسیاری از معارف اعتقادی و اخلاقی دین اسلام در قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، در قالب تشبیه و ضرب‌المثل بیان شده است، چرا که این شیوه، شیوه غیرمستقیم برای بیان معانی و معارف است و ضمن جذابیت و ساده‌گی، برای درک بهتر و بیشتر، نیاز به تفکر و اندیشیدن دارد و فکر را فعال می‌سازد.

در مورد فوائد و بهره‌های امام و امام غائب، در قالب تشبیه و تمثیل در روایات، از نمادهای فراوانی استفاده شده است که ضمن بیان چند نمونه از آن به توضیح یکی از بهترین و زیباترین این تشبیه‌ها یعنی: «امام، خورشید پشت ابر» می‌پردازیم:

۱. بدر منیر

❁ قال الرضا علیه‌السلام:

(الإمامُ البدرُ المنيرُ و السراجُ الزاهرُ و النورُ
الطالعُ و النجمُ الهادي في غياباتِ الدجى و
الدليلُ على الهدى و المنجى من الردى).^۱

«امام، ماه درخشنده و چراغ پرتو افکن و روشنایی تابنده و ستاره راهنما در ناپیدایی شبهای ظلمانی و راهنمای هدایت و نجاتبخش از تباهی است.»

۲. شعله فروزان

❁ قال الرضا عليه السلام :

(الامامُ النَّارُ عَلَى الْيَفَاعِ، الْحَارُّ لِمَنْ اصْطَلَى بِهِ
وَالدَّلِيلُ فِي الْمَهَالِكِ مَنْ فَارَقَهُ فَهَالِكٌ).^۱
«امام، شعله فروزان بر تپه و گرمابخش وجود
سرمازده و راهنمای در مهلکه‌هاست و هر آن کس
که از او جدا گردد نابود شود.»

۳. ابر باران‌زا

❁ قال الرضا عليه السلام :

(الامام، السَّحَابُ الْمَاطِرُ).^۲
«امام، ابری باران‌زاست.»

۴. باران پیوسته

❁ قال الرضا عليه السلام :

(الامام الغيثُ الهاطِلُ).^۳
«امام، بارانی پیوسته است.»

۵. آسمان سایه گستر

❁ قال الرضا عليه السلام :

(الامام، السَّمَاءُ الظِّلِيلَةُ).^۴
«امام، آسمان سایه گستر است.»

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۹

۲. تحف العقول، ص ۴۳۹

۳. همان

۴. همان

۶. چشمه جوشان

❖ قال الرضا عليه السلام :

(الامام، العَيْنُ الغزيرةُ)^۱

«امام، چشمه‌ای جوشان است.»

۷. امام، دوستی امین

❖ قال الرضا عليه السلام :

(الامام، الأَمِينُ الرَّفِيقُ.)^۲

«امام، رفیقی امین است.»

۸. امام، برادری بی نظیر

❖ قال الرضا عليه السلام :

(الامام الأخ الشَّقِيقُ.)^۳

«امام، برادری دلسوز است.»

۹. امام، همچون مادری دلسوز

❖ قال الرضا عليه السلام :

(الامام كالأمِّ البِرَّةِ بِالوَلَدِ الصَّغِيرِ.)^۴

«امام (نسبت به دوستانش) همانند مادری، دلسوز

نسبت به فرزند خردسال خویش است.»

۱۰. امام، برکه و گلستان

❖ قال الرضا عليه السلام :

(الامام، الغَدِيرُ و الرَّوْضَةُ.)^۵

«امام، برکه و گلستان است.»

۱. تحف العقول، ص ۴۳۹

۲. همان

۳. همان

۴. همان

۵. همان



۱۱. امام غائب، خورشید پشت ابرها

قال رسول الله ﷺ: (و قد سئل: هل ينتفع الشيعة بالقائم ﷺ في غيبته؟ فقال: ﷺ إي والذي بعثني بالنبوة إنهم لينتفعون به، و يستضيئون بنور ولايته في غيبته كانتفاع الناس بالشمس و إن جلتها السحاب.)^۱

«پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به این سؤال که: آیا شیعه در زمان غیبت قائم ﷺ از وجود او بهره‌مند می‌شود؟ فرمودند: آری، سوگند به آن که مرا به پیامبری برانگیخت از وجود او بهره‌مند می‌شوند و در روزگار غیبتش از نور ولایت او پرتو می‌گیرند، همچنان که مردم از خورشید نهان در پس ابر، بهره‌مند می‌شوند.»

✽ عن الإمام الصادق ﷺ:

[... لا تخلو (الأرض) الى أن تقوم الساعة من حجة الله فيها ولولا ذلك لم يُعبد الله. قال سليمان: فقلت للصادق ﷺ: فكيف ينتفع الناس بالحجة الغائب المستور؟ قال: كما ينتفعون بالشمس إذا سترها السحاب.]^۲

«تا قیام قیامت، زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند و اگر چنین نبود خداوند پرستش نمی‌شد. سلیمان می‌گوید: به حضرت صادق ﷺ عرض کردم: مردم چگونه از حجت غایب پنهان بهره‌مند می‌شوند؟ فرمودند: همانگونه که از خورشید پشت ابر بهره‌مند می‌شوند.»

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲

۲. همان

* الامام المهدي عليه السلام :

(أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ
بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ، وَ
إِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ
لِأَهْلِ السَّمَاءِ).^۱

«چگونگی بهره‌مند شدن از من در روزگار غیبت،
همچون بهره‌مند شدن از خورشید است، آنگاه که
در پس ابر از دیدگان پنهان شود، من مایه امنیت
زمینیانم، همچنان که ستارگان مایه امنیت
آسمانیان هستند.»

علامه مجلسی (ره) در بحارالانوار از تشبیه امام به
خورشید پشت ابر، هشت نتیجه‌گیری نموده‌اند:

۱. همچنان که خداوند نور و حرارت را از طریق خورشید
به عالم وجود می‌رساند، نور علم نیز از طریق توسل و توجه
به امامان به بشریت و به ویژه شیعیان آنان می‌رسد.
۲. تشبیه امام به خورشید پشت ابر به آن دلیل است که
حالت انتظار را برساند، چرا که در این هنگام همه مردم انتظار
کنار رفتن ابرها و ظهور خورشید را می‌کشند و از آن مأیوس
نیستند.

۳. منکر وجود امام زمان علیه السلام، مانند منکر وجود خورشید
پشت ابر است.

۴. گاهی ابر از برابر خورشید کنار می‌رود و خورشید قابل
رویت می‌باشد، در زمان غیبت هم گاهی حضرت برای افراد
رخ نشان می‌دهند.

۵. دوران غیبت امام علیه السلام، همچون خورشید پشت ابر
سودهائی هم دارد.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۹۲

۶. امام چون خورشید نفعش فراگیر است، مگر برای کسانی که خود از زیر نور و حرارت آن بیرون روند.

۷. همچنان که نمی‌توان به خورشید مستقیم نگریست، بیشتر افراد نیز از خورشید وجود امام مستقیماً نمی‌توانند بهره ببرند.

۸. نور خورشید از روزنه‌ها و پنجره‌ها به همان اندازه که هست داخل می‌شود، نور و حرارت وجود امام هم به هر کسی به اندازه ظرفیت و آمادگی او خواهد رسید.^۱

همچنین با استفاده از این تشبیه می‌توان نتیجه گرفت:

۱. همچنان که با عبور از ابرها می‌توان به تماشای خورشید نشست، با عبور و خروج از ابرهای تیره اخلاقی و اعتقادی می‌توان شاهد رؤیت جمال امام زمان علیه السلام بود.

۲. همچنان که ابرها در حرکتند و از برابر خورشید می‌گذرند، موانع ظهور امام زمان علیه السلام و دوران غیبت نیز در حال گذر است و انشاء الله ظهور حضرتش نزدیک است. (الْیَسَّ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ)^۲

۳. همچنان که ابرها گوناگون و متعدّدند موانع غیبت نیز مختلف و متعدّدند.

۴. همانگونه که ابرها مانع همه آثار خورشید نیستند، غیبت امام زمان علیه السلام هم موجب محرومیت از تمام آثار و برکات امام نمی‌شود.

۵. هر چه به خورشید نزدیکتر شویم از نور و حرارت بیشتری بهره‌مند خواهیم شد، هم‌چنین هر چه به امام زمان علیه السلام نزدیکتر شویم از بهره‌های وجودی حضرت بیشتر بهره خواهیم برد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴، با تلخیص

۲. هود/۸۱



۶. خورشید سرچشمه نور ستارگان است و دیگر سیارات و ستاره‌ها از او نور می‌گیرند، وجود امام زمان علیه السلام هم کانون مرکزی نور است و علماء، عرفا، حکماء و عبّاد از او نور می‌گیرند و هر چه دارند از او دارند.

۷. با ظهور و طلوع خورشید دیگر ستاره‌ها و سیاره‌ها جلوه‌ای ندارند و به چشم نمی‌آیند؛ با ظهور امام نیز، برای دیگران جایگاهی برای عرض اندام و اظهار نظر نمی‌ماند.

۸. برای استفاده بیشتر از خورشید باید موانع و ابرها را کنار زد، همچنان که برای گرمابخشی و نورافشانی بیشتر از خورشید امام زمان علیه السلام باید موانع را کنار زد.

فوائد امام غائب

۱. امام غائب، نعمت باطنی و آرامش دل مؤمنین

یکی از وظایف اخلاقی هر انسان، شناخت منعم (هستی بخش) و نعمتهای جلی و خفی و ظاهری و باطنی اوست، چرا که این شناخت، روحیه تقدیر و سپاسگزاری و تشکر از نعمتها را در انسان پدید می آورد.

هر چند نعمتهای خداوند متعال قابل شمارش نیست^۱ ولی از دیدگاه قرآن نعمتها در یک تقسیم بندی، به نعمتهای ظاهری و باطنی تقسیم شده است.

(وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً)^۲

«نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است.»

در تعیین مصادیق نعمتهای ظاهری و باطنی در تفسیر نمونه چنین آمده است:

۱. بعضی نعمت «ظاهر» را چیزی می دانند که برای هیچکس قابل انکار نیست، همچون آفرینش و

۱. (وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا) و اگر نعمتهای خدا را

بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! ابراهیم / ۳۴

۲. لقمان / ۲۰

حیات و انواع روزیها و نعمتهای «باطن» را اشاره به اموری می‌دانند که بدون دقت و مطالعه قابل درک نیست (مانند بسیاری از قدرتهای روحی و غرائز سازنده)

۲. بعضی نعمت «ظاهر» را اعضای ظاهری و نعمت «باطن» را قلب شمرده‌اند.

۳. بعضی دیگر نعمت «ظاهر» را زیبایی صورت و قامت راست و سلامت اعضا و نعمت «باطن» را «معرفة الله» دانسته‌اند.

۴. در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که: [«ابن عباس» از آن حضرت در این زمینه سؤال کرد، فرمود: «ابن عباس! نعمت ظاهر اسلام است و آفرینش کامل و منظم تو به وسیله پروردگار و روزی‌هایی که به تو ارزانی داشته و اما نعمت باطن، پوشاندن زشتیهای اعمال تو و رسوا نکردنت در برابر مردم است.»]

۵. در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «نعمت آشکار، پیامبر صلی الله علیه و آله و معرفة الله و توحید است که پیامبر آورده و اما نعمت پنهان، ولایت ما اهل بیت علیهم السلام و پیمان دوستی با ما است.»^۱

۶. امام موسی بن جعفر علیه السلام در تعیین یکی از مصادیق نعمتهای ظاهری و باطنی اینگونه می‌فرمایند:

(عن محمد بن زیاد الازدی قال: سألت سيدي موسى بن جعفر عليه السلام عن قول الله عز وجل: «وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً.» فقال:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۶۵

النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ فَقُلْتُ لَهُ: وَ يَكُونُ فِي الْأَئِمَّةِ مَنْ يُغَيَّبُ؟
 قَالَ: نَعَمْ يَغَيَّبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا يَغَيَّبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ^۱

امحمد بن زیاد از دی می گوید: از مولایم موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه «وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» پرسیدم، فرمودند: نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غائب است. پرسیدم؛ آیا از بین ائمه کسی غائب می شود؟ فرمودند: بله شخص او (امام زمان علیه السلام) از دیدگان مردم غائب می شود، اما نام و یادش از قلوب مردم غائب نمی شود.]

۲. هدایت گری باطنی امام غائب

یکی از قواعد علم کلام در اثبات و لزوم وجود معصوم در همه ادوار تاریخی، قاعده لطف است.

سید مرتضی در تعریف قاعده لطف می گوید:

(لطف آن است که مکلف را به انجام دادن طاعت دعوت می کند. لطف، بر دو قسم است: یکی آن که مکلف به سبب آن، فعل طاعت را بر می گزیند و اگر آن لطف نبود، فعل طاعت را بر نمی گزید و دیگری آن که مکلف به سبب آن، نسبت به انجام دادن طاعت، نزدیک تر خواهد شد.)

بنابراین قاعده لطف یعنی، خداوند متعال زمینه نزدیکی انسان به طاعت و پیروی از خود و دوری از معصیت و گناه را بدون آنکه به حد اجبار برسد فراهم می آورد و بر خداست تا

همچنان که زمینه‌های حیات مادی انسان را برای آسایش او فراهم آورده، زمینه‌های هدایت و سعادت‌مندی روحی او را نیز برای تشخیص و سلوک راه درست فراهم نماید.

بر این اساس وجود امام در هر زمان برای هدایت انسان لازم است، اما سؤال این است که در عصر غیبت این هدایت چگونه صورت می‌گیرد؟

حضرت علی علیه السلام در پاسخ به این سؤال می‌فرمایند:

(إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حَالِ هِدَايَتِهِمْ
فَإِنَّ عِلْمَهُ وَآدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ
فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ).^۱

«اگر شخص امام در حال هدایت مردم، از ایشان غایب شود همانا علم و آداب او در دل‌های مؤمنین پابرجا می‌ماند و آنان بدان عمل می‌کنند.»

علامه طباطبایی (ره) می‌فرمایند: (بدیهی است حضور و غیبت جسمانی امام، در این باب (هدایت) تأثیری ندارد و امام از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشراف و اتصال دارد، اگر چه از چشم جسمانی ایشان مستور است. وجودش پیوسته لازم است، اگر چه موقع ظهور و اصلاح جهانش تاکنون نرسیده.

همچنین ایشان در خصوص هدایت باطنی در تفسیر آیه
(وَ جَعَلْنَاَهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ
الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا
عَابِدِينَ). می‌فرمایند:^۲

[ظاهر جمله «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (هدایت به امر) مفسر معنای امامت (ائمه) است و آنچه در خصوص این مقام

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۲

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۲۸ (انبیاء/۷۳)

خاطرنشان می‌کنیم، این است که این هدایت که خدا آن را از شوون امامت قرار داده، هدایت به معنای راهنمایی (ارائه طریق) نیست، چون می‌دانیم که خدای متعال ابراهیم را وقتی امام قرار داد که سالها دارای منصب نبوت بود، همچنان که توضیحش در ذیل آیه: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» گذشت و معلوم است که نبوت منفک از منصب هدایت به معنای راهنمایی نیست، پس هدایتی که منصب امام است معنایی نمی‌تواند غیر از رساندن به مقصد داشته باشد (ایصال الی المطلوب) و این معنا یک نوع تصرف تکوینی در نفوس است، که با آن تصرف، راه را برای بردن دلها به سوی کمال و انتقال دادن آنها از موقفی به موقفی بالاتر، هموار می‌سازد و چون تصرفی است تکوینی، و عملی است باطنی، ناگزیر مراد از امری که با آن هدایت صورت می‌گیرد نیز امری تکوینی خواهد بود نه تشریعی، که صرف اعتبار است، بلکه همان حقیقتی است که آیه شریفه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسَبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ» آن را تفسیر می‌کند و می‌فهماند که هدایت به امر خدا از فیوضات معنوی و مقامات باطنی است که مؤمنین به وسیله عمل صالح به سوی آن هدایت می‌شوند و به رحمت پروردگارشان ملتبس می‌گردند.

و چون امام به وسیله امر، هدایت می‌کند _ با در نظر گرفتن اینکه باء در «بِأَمْرِهِ» باء سببیت و آلت است _ می‌فهمیم که خود امام قبل از هر کس ملتبس به آن هدایت است و از او به سایر مردم منتشر می‌شود و بر حسب اختلافی که در مقامات دارند، هر کس به قدر استعداد خود از آن بهره‌مند می‌شود. از اینجا می‌فهمیم که امام رابط میان مردم و پروردگارشان در أخذ فیوضات ظاهری و باطنی است،

هم چنان که پیغمبر، رابط میان مردم و خدای تعالی است در گرفتن فیوضات ظاهری، یعنی شرایع الهی که از راه وحی نازل گشته، از ناحیه پیغمبر به سایر مردم منتشر می‌شود. و نیز می‌فهمیم که امام دلیلی است که نفوس را به سوی مقاماتش راهنمایی می‌کند، همچنان که پیغمبر دلیلی است که مردم را به سوی اعتقادات حق و اعمال، صالح راه می‌نماید، البته بعضی از اولیای خدا تنها پیغمبرند و بعضی تنها امامند، و بعضی دارای هر دو مقام هستند، مانند ابراهیم و دو فرزندش.^۱

۳. فواید تکوینی و تشریحی امام غائب

از یک دیدگاه فواید وجودی امام غائب به دو دسته فواید تکوینی و تشریحی قابل تقسیم است. منظور از فواید تکوینی، فواید وجودی امام بر کل هستی و عالم طبیعت است، چرا که هستی بدون وجود امام بهانه‌ماندن ندارد و عالی‌ترین غایت خود را از دست می‌دهد. امام روح ماندگاری حیات در کالبد هستی و روح جاری وجود در موجودات و قطب عالم امکان و قلب تپنده آن است و منظور از فواید تشریحی، تأثیرات وجودی حضرت بر حوزه دین و دینداران است.

امام صادق علیه السلام در یک سخن «اثر تکوینی و تشریحی وجود امام زمان» را چنین بیان می‌کنند:

(يُنْتِجُ اللهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ
يَسُوقُ اللهُ بِهِ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَتُنزِلُ
السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ يُخْرِجُ الْأَرْضُ بَدْرَهَا وَ تَأْمَنُ
وُحُوشُهَا وَ سِبَاعُهَا وَ يَمَلَأُ الْأَرْضُ قِسْطًا وَ

۱. تفسیر المیزان / ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره بحث مفصلی پیرامون امامت و هدایت باطنی ذکر شده است.

عدلاً كما مُلِّت ظُلماً و جُوراً و يَقْتُلُ حَتَّى يَقُولَ
 الْجَاهِلُ لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ لَرَجِمَ.^۱
 «خداوند در این امت مردی پدید آورد که او از
 من و من از او می باشم، خداوند به خاطر او برکات
 آسمان و زمین را به سوی مردم روانه کند. آسمان
 باران نافع خود را به موقع فرو ریزد و زمین بذر
 خود را بیرون دهد و همه از وحوش و درندگان در
 امان باشند. او زمین را پر از عدل و داد کند
 چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. چندان از
 دشمنان خدا را به قتل می رساند که نادان
 می گوید؛ اگر این مرد از نسل پیغمبر اسلام بود،
 هر آینه به مردم رحم می کرد.»

در کتاب «ادب فنای مقربان» به نقل از حضرت علی بن
 موسی الرضا علیه السلام، برخی از آثار تشریحی و تکوینی وجود امام
 معصوم علیه السلام این چنین تبیین شده است:

«... امامت، منزلت انبیاء و ارث اوصیاست، امامت، خلافت
 خدای عزوجل، خلافت رسول صلی الله علیه و آله، مقام امیرالمؤمنین و
 میراث امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است. امامت، زمام
 دین، نظام مسلمین، صلاح دین و عزت مؤمنان است. امامت،
 ریشه رشد یابنده اسلام و شاخه بالنده آن است.

حجت بالغه به راه پروردگار فرا می خواند. امام، آفتاب
 عالمتاب است و در افقی قرار دارد که دستها به وی
 نمی رسد و چشمها حقیقتش را درک نمی کند. امام، ماه منور،
 چراغ روشن، نور تابان و ستاره هدایت گر در تاریکی های
 گمراه کننده، در بیابان های بی آب و علف و در میان امواج
 سهمگین دریاهاست. امام، آب خوش گوار بر جگر تفتیده،

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶

دلیل راه هدایت و نجات دهنده از پستی‌هاست. امام، آتش روشنی‌بخش بر بلندی است که هر کس به آن نزدیک شود، او را گرم می‌کند. در مه‌لکه‌ها راهنماست و هر کس از آن جدا شود، هلاک می‌گردد.

امام، ابر پر باران، باران درشت قطره [و پر آب]، آفتاب روشنی‌بخش، آسمان سایه افکن، زمین گسترده، چشمه پر آب، تالاب [و آبگیر ذخیره آب] و باغ [پر ثمر] است. امام، پدری نرم‌خو و مدارا کننده، برادری دل‌سوز و پناهگاه مردم در سختی‌های روزگار است.

امام، امین خدا در زمین، حجت او بر بندگانش، خلیفه او در شهرهایش، دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از محرمات الهی است [تا ضایع نشود و هتک حرمت نگردد]. امام، پاک شده از گناهان، میرای از عیوب، مخصوص به علم، موسوم به حلم، نظام دین، عزت مسلمانان، غیظ منافقان و مرگ کافران است.

امام، یگانه دوران است که کسی [از اندیشوران و صاحب نظران و صاحب بصران] در نزدیکی افق او نیست. نه عالمی معادل او وجود دارد و نه بدلی برایش یافت می‌شود؛ نه مانندی دارد و نه نظیری. از فضایل مخصوصی برخوردار است که نه آنها را طلب کرده و نه برای به دست آوردن آنها خود را به زحمت انداخته، بلکه خدای وهاب به او عطا کرده است. چه کسی می‌تواند به کنه معرفت امام برسد و او را برگزیند؟... «انَّ الامامة هی منزلة الأنبياء وارث الأوصياء. انَّ الامامة خلافة الله عزوجلّ و خلافة الرسول و مقام أميرالمؤمنين و ميراث الحسن و الحسين عليهما السلام انَّ الامامة زمام الدین، و نظام المسلمین، و صلاح الدنیا و عزّ المؤمنین. انَّ

الإمامة أسّ الإسلام النَّامِي، و فرعُهُ السَّامِي.
 بالإمام تمام الصلاة و الزكاة و الصَّيام و الحجّ و
 الجهاد و توفير الفیء و الصدقات و إمضاء الحدود
 و الأحكام و منع الثغور و الأطراف^۱ ...»^۲
 آیه الله جوادی آملی در جای دیگری از این کتاب
 می‌فرماید:

«امام، فردی عادی در نظام هستی نیست که بود و نبود
 وی چندان تأثیری برای جامعه بشری نداشته باشد. او خلیفه
 خدا، حجّت و مجرای فیض او، فرمانده فرشتگان و تنظیم
 کننده روابط اسمای حسناى الهی است، به گونه‌ای که به
 برکت وجود او باران می‌بارد، آسمان پا برجاست، همه
 موجودات، حتی کافران و دشمنان خدا و رسول و دشمنان
 امامان روزی می‌خورند و نظام هستی لحظه‌ای نمی‌تواند از
 وجود او بی‌نیاز باشد.»

پیغمبر اکرم ﷺ به علی علیه السلام فرمود: آنچه را که به تو املا
 می‌کنم و برایت می‌خوانم، بنویس، علی علیه السلام پرسید: آیا
 می‌ترسی که فراموش کنم؟ فرمود: نه [از این جهت نگران
 نیستم؛ زیرا] از خدا خواسته‌ام که نسیان و فراموشی به سراغ
 تو نیاید، لیکن برای شرکای امامت خودت بنویس که فرزندان
 تو هستند و خداوند به وسیله آنها بر امت من باران می‌فرستد،
 دعایشان را به اجابت می‌رساند، از مردم بلا را دور می‌گرداند و
 رحمت خویش را از آسمان نازل می‌کند. آن‌گاه در حالی که
 اشاره به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌کرد، فرمود: این،
 اولی آنان [شرکای امامت علی علیه السلام] است و این دومی‌شان و
 بقیه امامان از فرزندان او هستند که خدا از آنان راضی

۱. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۲

۲. ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۳۳۸

باشد.^۱»^۲

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوار خود و او از حضرت علی بن الحسین علیه السلام، امام سجاده علیه السلام روایتی را ذکر می‌فرمایند که آن حضرت پس از ذکر فضایلی از خاندان خود و منشأ خیرات بودن آنان می‌فرماید:

(ولو لا ما فی الأرض مِنّا لَسَاخَتْ بأهلِها)

«اگر کسی از ما بر روی زمین نباشد، زمین اهلش

را فرو می‌برد.»

آن‌گاه فرمود: همواره زمین از نعمت حجت خدا برخوردار است و هرگز از آن خالی نخواهد شد. از زمان آدم علیه السلام تاکنون چنین بود و تا قیام قیامت نیز چنین خواهد بود. اگر زمین خالی از حجت شود، خدا عبادت نخواهد شد. البته این حجت گاهی ظاهر و شناخته شده است و گاهی غایب و مستور؛ «و لم تخلُ الارضُ منذُ خَلَقَ اللهُ آدمَ من حُجَّةِ اللهِ فیها ظاهرٍ مشهورٍ أو غائبٍ مستورٍ و لا تخلو إلى أن تقوم الساعة من حُجَّةِ اللهِ فیها ولو لا ذلك لم یُعبد الله.»^۳

✽ امیر المؤمنین علیه السلام نیز می‌فرماید:

(اللَّهُمَّ بلی، لا تخلو الأرضُ من قائمِ اللهِ بحُجَّةِ، إمَّا ظاهراً مشهوراً و إمَّا خائفاً مغموراً لئلاَّ تبطل حججُ اللهِ و بیئاتُهُ.)^۴

«آری، هرگز زمین از حجت الهی خالی نخواهد شد، خواه ظاهر و آشکار باشد، یا ترسان و پنهان

۱. ینابیع المودّة، ص ۲۰

۲. ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۳۷۲

۳. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۵

۴. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷

از دیده‌ها [این برای این است که] دلایل و نشانه‌های الهی باطل نگردد.»

✽ امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند:

(اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ... فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ).^۱

«خدایا! تو دین خود را در هر زمان به امامی تأیید کردی که او را نشانه‌ای برای بندگانت و چراغی در شهرهایت قرار دادی... او که مایه عصمت پناهجویان و پناهگاه مؤمنین است.»

۴. عامل بازدارندگی (تقویت حس تقوی)

یکی از فوائد امام غایب، آثار تربیتی وجودی مبارک حضرت از جهت تقویت عامل بازدارندگی از خطا و گناه و تقویت حس تقوی و پرهیزکاری در برابر انجام گناهان و حتی فکر و اندیشه گناه است. درک و احساس مثبت بودن امام و نظارت حضرت و مهابت وجودی ایشان و هراس معنوی و ترس از انجام خطا را در انسان ایجاد می‌کند.

سید مرتضی در کتاب «غیبت» در بیان فوائد امام غایب می‌فرماید:

(لأنَّهم (شیعیان) مع علمهم بوجوده بینهم و قطعهم علی وجوب طاعته علیهم و لزومها لهم لا بد من ان یخافوه و یهابوه فی ارتکاب القبائح و یخشوا تأدیهه و مؤاخذته فقیل منهم فعل القبیح و یكثر فعل الحسن او یكون ذلک أقرب و هذه جهة الحاجة العقلية الی الامام).^۲

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۴۷

۲. رسائل شریف المرتضی، ج ۲/۲۹۹

«زیرا شیعیان با اعتقاد به وجود حضرت در بین آنان و قطع آنان بر وجوب اطاعت و لزوم پیروی از ایشان، ناگزیر، هراسی از حضرت در ارتکاب کار زشت دارند، و از تأدیب و بازخواست حضرت می‌ترسند. از این روی، کار زشت، کم و کار نیکو، زیاد انجام می‌دهند و یا به انجام آن، نزدیک‌ترند. و همین امر جهت عقلی نیاز به امام است.»^۱

۵. امداد رسانی به مؤمنین

انسان در زندگی و حیات انسانی و معنوی و شخصی و حیات اجتماعی و دینی خود نیازمند حامی معنوی و امدادهای روح بزرگ انسان کامل است.

یکی از فوائد وجودی امام غائب، حمایت‌های ویژه او از شیعیان و پیروان، در لحظات بحرانی و حساس و سرنوشت‌ساز در دو بُعد فردی و اجتماعی است. در این خصوص به ذکر دو خاطره بسیار مهم و سرنوشت‌ساز اجتماعی می‌پردازیم:

الف) تحریم تنباکو تحت نظر حمایتی حضرت

در هنگامی که دولت انگلیس در کشور ایران، امتیاز کشت و فروش توتون و تنباکو را به دست گرفته بود و به این بهانه می‌رفت که در ایران نفوذ کرده و افکار استعماری خود را بین مردم رواج دهد، تنها مدافعان اسلام و تنها پشتیبانان و پاسبانان حریم اسلام، یعنی فقهای بزرگ شیعه، به فکر نجات مسلمانان از چنگال خون‌آشام و ذلت‌آور استعمارگران بریتانیایی افتادند.

در این میان جناب «آیت الله سید محمد فشارکی» به

۱. چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان، ص ۷۹

نزد استاد بزرگوارش حضرت آیت الله العظمی میرزا سید محمد حسن شیرازی آمد و در جلسهای که هیچ کس به جز آن دو بزرگوار نبودند خدمت ایشان عرض کرد: «درست است که من شاگردی از شاگردان شما هستم، لکن می خواهم برای مدتی بدون ملاحظه و رعایت استادی با شما سخن بگویم، تا بتوانم صحبتتم را صریحاً عرض نمایم.»

استاد نیز با گشاده رویی خواسته اش را پذیرفت.

آیت الله فشارکی در خطاب به میرزا گفت: «سید! چرا بر علیه استعمار انگلیس قیام نمی کنی؟! چرا فتوا بر تحریم تنباکو نمی دهی! آیا خون تو از خون سید الشهداء علیهم السلام رنگین تر است، پس قیام کن و فتوا بر تحریم تنباکو بده.»

استاد، نظری به سید محمد فشارکی انداخت و سپس فرمود: مدتهاست که در فکر آن بودم، لکن در این مدت، جهات مختلف این فتوی را بررسی می کردم تا اینکه دیروز به نتیجه نهایی رسیدم و امروز به سرداب غیبت رفته تا از مولایم امام زمان _ ارواحنا فداه _ اجازه فتوا بگیرم و آقا نیز اجازه فرمودند و امروز قبل از آمدن شما فتوا را نوشتم.

سپس میرزا فتوا را به سید محمد نشان داد و سید نیز از استاد معذرت خواهی نموده و از محضر استاد خداحافظی کرد و بیرون رفت.^۱

ب) پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت های حضرت

آیه الله خزعلی نقل می کنند:

«۲۲ بهمن سال ۵۷ یوم الله بود، واقعاً ما در معرض کشته شدن بودیم. فقط ندای ولی عصر به داد ما رسید. فردی که الان زنده است، پیام برد به دبیرستان علوی (خدمت امام امت) حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: در خانه

نمانید اگر مانند کشته می‌شوید. لذا امام خیلی محکم فرمود: در خانه نمانید، آقای طالقانی به امام عرض کرد: آقا! مردم را درو می‌کنند، اینها عصبانی هستند، آخر کارشان است. امام فرمود: باید بیرون بریزید. ایشان (آقای طالقانی) خیلی اصرار کرد. امام فرمود: اگر پیام از جای دیگر باشد، باز [بر] سر حرف خود ایستاده‌اید؟ (آقای طالقانی) گفت: چشم، تسلیم هستیم. لذا ۲۲ بهمن یوم الله است.^۱

۶. افاضه فیض در تشرّفات

یکی از فوائد امام غائب جریان فیوضات و برکات وجودی حضرت در ظهورهای شخصی است. گاهی در ایام غیبت، ظهورهای موقت شخصی برای امام غائب سر می‌زند و در هر یک جلوه‌هایی از رحمت و فیض را بر انسانها می‌گشاید.

در ظهورها و دیدارهای مختلف و متعدّد زنان و مردانی که سعادت رؤیت آفتاب حضور او را داشته‌اند، با دامنه‌های پر خیر و برکت به عالم غیبت برگشته‌اند. نتیجه این تشرّفات گاهی شخصی و فردی و خاص (مانند شفای مریض و...) و بسیاری از اوقات، اجتماعی و فراگیر بوده است، مانند: تشرّفات اندیشمندان و عالمانی که در نتیجه ارتباط با امام غائب به علم لدنی راه یافته‌اند و آنگاه علوم خالص و مهدوی خود را در اختیار سائر مردم قرار داده‌اند.

بعضی از جلوه‌های حضرت برای دوستدارانش به گونه‌های زیر بوده است.^۲

۱. میرمهر، ص ۲۶، به نقل از آیت الله خزعلی

۲. میرمهر، از ص ۱۵ تا ص ۱۹۸، برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتبی چون «میر مهر»، «عنایات حضرت ولی عصر» و... مراجعه کنید.

۱. نامیدن: حضرت برخی از دوستان خود را به اسم یاد می‌کند.
۲. سلام: گاهی امام بر دوستان خود تحیت و سلام می‌فرستاد.
۳. مصافحه و معانقه: گاهی امام دوستان خود را در آغوش می‌گیرد و با آنها مصافحه می‌کند.
۴. پاسداری: حضرت بر جوامع شیعی نظارت و آگاهی کامل دارند.
۵. غمخواری: حضرت غمخوار مصائب یارانشان هستند و برای آنها اشک می‌ریزند.
۶. دعا: حضرت برای همه و به خصوص برای دوستان خود دعا می‌کنند.
۷. آمین: امام بر دعاهای دوستانش «آمین» می‌گویند.
۸. نامه: حضرت در برخی مواقع لازم و حساس به برخی علما و نایبان خود نامه می‌دهند.
۹. عیادت: گاهی حضرت به عیادت بیماران می‌روند.
۱۰. تشییع: حضرت، در تشییع جنازه برخی دوستان مخلص خود، شرکت می‌کنند.
۱۱. دفع بلا: امام پناه شیعه و همگان است. با تدبیر و دست توانمند آن حضرت چه بسیار بلاها و فتنه‌هایی که دفع شده است.
۱۲. پیام: حضرت در برهه‌های مهمی از تاریخ، پیام‌هایی برای جامعه شیعه یا برخی افراد می‌فرستد.
۱۳. مسجدها و مقام‌ها: حضرت جایگاهایی را برای عبادت و توجه به خود برمی‌گزیند و با نشانه‌ها و کراماتی همراه می‌کند تا همگان خدا را در آنجا

بخوانند و برای فرج او که فرج خود آنان است دعا کنند. (مانند مسجد جمکران)

۱۴. نیابت و وکالت: حضرت گاهی وکلا و نایبان عامی را برای خود در ایام غیبت کبری قرار می‌دهند.

۱۵. تعلیم: حضرت دعاها و زیارات متعددی را به برخی علاقمندان خود تعلیم داده‌اند و گاهی پرسش‌های علمی برخی علما را پاسخ می‌دهند و یا آنها را به اشتباه خود واقف می‌سازند.

۱۶. تألیف: حضرت برای حفظ شیعیان از تهاجمات فرهنگی در دوره‌های مختلف، برخی از علما و دین‌شناسان را از راه‌های مختلف به حفظ و نشر آثار مهدویت فرا می‌خوانند. (مانند کتاب کمال‌الدین)

۱۷. درس‌آموزی: حضرت در موقعیت‌های مختلف به مدعیانی که فکر می‌کنند زمینه ظهور آماده است درس‌هایی را می‌آموزانند و به آنها می‌فهمانند که هنوز شرایط مهیا نیست.

۱۸. از غربت تا حکومت: شیعه به واسطه عنایت و امداد حضرت، از غربتی که در زمان امام حسن عسکری علیه السلام داشت به عزت امروزه ایران اسلامی رسیده است.

۱۹. فریادرسی: حضرت فریادرس بی‌پناهان و پناه بی‌کسان است، درماندگان را دستگیری می‌کند و گمشدگان را راهنمایی می‌نماید.

۲۰. حمایت: امام علیه السلام از دوستان و یاران خود حمایت می‌کند.

۲۱. راهبری: امام علیه السلام عهده‌دار راهبری ظاهری و باطنی انسان‌ها است.

۲۲. هدایت: حضرت گاهی لطف و عنایت ویژه به برخی دارند تا هدایت شوند و مذهب حقه را پیدا کنند.
۲۳. شفا: داستانهای فراوانی وجود دارد که امام، بیماران لاعلاج که به آن حضرت متوسل شده را شفا داده است.
۲۴. همسفره شدن: حضرت گاهی با بعضی از دوستانشان همسفره می‌شوند.
۲۵. غفلت‌زدائی: حضرت گاهی برای بیدار کردن افراد از خواب غفلت به آنها تذکر می‌دهند.
۲۶. عمل نیابی: گاهی حضرت به نیابت از دوستانشان بعضی از اعمال را انجام می‌دهند.
۲۷. وفا و حق‌شناسی: حضرت همه کسانی را که برای احیای دین از جان و هستی خود گذشتند و یا برای اعتلای نام آن حضرت گامی برداشتند، مورد عنایت خود قرار می‌دهند.
۲۸. اتمام حجت: حضرت، حجت را بر همگان تمام می‌کند تا بر هیچ کس عذری نباشد.
۲۹. رستگاری: حضرت برخی را - اگرچه در آخرین لحظه‌های عمر - دستگیری کرده و از دوزخ رهانیده و به رستگاری می‌رساند.
۳۰. عهده‌داری: امام عهده‌دار کسانی است که به تکلیف خود عمل می‌کنند و از شهر و روستای خود هجرت کرده و در حوزه‌های علمیه به تحصیل علوم آل محمد علیهم‌السلام مشغولند تا رسالت تبلیغ دین و هدایت انسانها را به عهده بگیرند.
۳۱. عریضه: حضرت در دوران غیبت اجازه می‌دهند افراد به ایشان عرض حال کرده و با شیوه

- عریضه‌نویسی به او متوسل شوند.
۳۲. هدیه: مولای کریم برخی عاشقان خود را با دادن هدیه مورد نوازش قرار می‌دهد.
۳۳. تجلی: حضرت گاهی بر خواص از دوستانش تجلی خاص می‌کنند.
۳۴. حضور: حضرت در میان مردم و در دل اجتماع، حضوری همیشگی و فعال دارد و بر مشکلات و رنج‌های آنان آگاه است.
۳۵. حکمت: گاهی حضرت با سخنان و رهنمودهای سراسر حکمت و نور خود، عاشقان و جویندگان حقیقت را سیراب می‌نمایند.
۳۶. تربیت: امام مرتبی همه هستی و عهده‌دار تربیت نفوس مستعدّه است.
۳۷. جذبّه: جذبّه محبت و عشق امام، جاذب دلهای پریشان مؤمنان و جمع‌کننده قلوب پراکنده شیعیان است.
۳۸. امید و بشارت: دمیدن روح امید و بشارت به پیکره جامعه شیعی، از بزرگترین جلوه‌های محبت و هدیه‌های آن امام بزرگوار به مسلمین و شیعیان است.
۳۹. انس و هم‌نشینی: امام به یاد همه انسانهاست، اما آنانی که شیعیان اویند از این یاد، سهم بیشتری دارند.
۴۰. درد و دل: امام برای طرح گلایه‌ها و درد و دلها و رسیدن به آرامش، پناهگاهی امین و مؤثر است.

۷. امام غائب، ناظر اندیشه و رفتار و استغفار کننده برای مؤمنین

یکی از عوامل مهم تربیت در مکتب تربیتی اسلام، عقیده به ناظران و شاهدان اعمال و نیت و افکار است. یکی از مهمترین شاخه‌های ایمان، تصدیق به علم خدا و نظارت و شهادت خدا بر انسان و زندگی اوست. اصرار قرآن بر علیم بودن، بصیر بودن، خبیر بودن و سمیع بودن و دیدن خدا از همین باب است.

به تعدادی از آیات در این خصوص توجه نمایید:

✓ (أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى.)^۱

«آیا (آدمی) ندانست که خداوند می‌بیند؟»

✓ (يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ.)^۲

«او چشمهای خیانت پیشه و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند.»

✓ (وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.)^۳

«خداوند به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است!»

✓ (إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.)^۴

(خداوند، شنوا و داناست.)

✓ (وَ قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.)^۵

«بگو عمل کنید که خداوند و رسول او و مؤمنان (امامان)، اعمال شما را می‌بینند...»

۱. علق/ ۱۴

۲. غافر/ ۱۹

۳. توبه/ ۱۶

۴. بقره/ ۱۸۱

۵. توبه/ ۱۰۵

✓ (وَ اللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ) ^۱

«و خداوند به اعمال آنها بیناست.»

✓ (فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) ^۲

«به هر سو رو کنید خدا آنجاست! خداوند بی نیاز و داناست.»

✓ (وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ) ^۳

«و خدا گواه است بر اعمالی که انجام می دهید.»

همچنین پس از نظارت خدا، شاهد بودن پیامبر و اهل بیت (از جمله نظارت و علم امام زمان علیه السلام) بر اعمال و اندیشه‌ها، در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام مطرح شده است.

✽ **قال النبی صلی الله علیه و آله:**

(حَیَاتِي خَيْرٌ لَّكُمْ وَ مَمَاتِي خَيْرٌ لَّكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ ذَٰلِكَ؟ فَقَالَ: أَمَّا حَيَاتِي فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» وَ أَمَّا مَفَارِقَتِي أَيَّاكُمْ فَإِنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ كُلَّ يَوْمٍ، فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنٍ اسْتَزَدْتُ اللَّهَ لَكُمْ وَ مَا كَانَ مِنْ قَبِيحٍ اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ لَكُمْ...)) ^۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

احیات من برای شما خیر است و مرگ من نیز برایتان خیر است. گفتند: یا رسول الله چگونه مرگتان و حیاتتان برای ما خیر است؟ حضرت

۱. بقره/۹۶

۲. بقره/۱۱۵

۳. آل عمران/۹۸

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۱

فرمودند: اما خیر زندگانی و حیات من برای شما آنست که خداوند عزوجل می فرماید: «خداوند کافران و گناهکاران امتت را در حالی که در میان ایشان باشی عذاب نمی کند» و اما در هنگام جدائی من از شما، همانا اعمال شما همه روزه بر من عرضه می شود، پس هر آنچه که خوب باشد من زیادتی و افزونی آن را از خداوند می خواهم و آنچه از اعمال شما که زشت و نارواست از خداوند برایتان طلب بخشایش و مغفرت می نمایم. [

✓ (و رُوی أَنَّ اَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلٰی رَسُولِ اللّٰهِ وَ عَلٰی الْاَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كُلِّ يَوْمٍ اَبْرَارِهَا وَ فُجَّارِهَا فَاحْذَرُوا وَ ذَلِكُ قَوْلُ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ: «و قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرى اللّٰهُ...»^۲)

اروایت شده که اعمال بندگان اعم از نیکوکاران و بدکاران همه روزه بر رسول خدا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عرضه می شود، پس از کردار ناشایست بپرهیزید تا رسوا نشوید و این به موجب فرمایش خداوند عز و جل است که: «ای رسول ما! امت خود را) بگوی هر آنچه می خواهید انجام دهید که خداوند و رسول او و مؤمنان اعمالتان را می بینند. [

✓ [عن ابى عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ قوله: (قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ) قَالَ: هُمْ^۳ الْاَئِمَّةُ تُعْرَضُ عَلَيْهِمْ اَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ يَوْمٍ اِلَى

۱. توبه/ ۱۰۵

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۹۱

۳. بصائر، ص ۴۲۷

القیامة.)^۱

از حضرت امام صادق علیه السلام درباره آیه: «قل اعملوا فسیری...» سؤال شد، فرمودند: آنها ائمه معصومین علیهم السلام هستند، اعمال بندگان هر روز تا روز قیامت خدمت آنها عرضه می شود.

✓ [عن برید العجلی قال: قلت لأبی جعفر علیه السلام (اعلموا فسیری الله عملکم)... قال: ما من مؤمن یموت و لا کافر فتوضع فی قبره حتی تُعرضُ عمله علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علی علیه السلام و هلُمَّ جِراً إلى آخر من فرض الله طاعته علی العباد.]^۲

(از حضرت باقر علیه السلام درباره آیه (اعملوا...) پرسیدم ایشان فرمودند: هر مؤمن و یا کافری هنگامی که می میرد و او را در قبرش قرار می دهند اعمالش را خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین تا آخرین کسی که خداوند اطاعتش را بر بندگان واجب کرده است عرضه می کنند.)

بر این اساس یکی از منافع وجودی حضرت صاحب الزمان علیه السلام کنترل تربیتی و نظارت ایشان بر اعمال می باشد که دایره این نظارت تکوینی است و فقط مربوط به مؤمنین نمی باشد، بلکه کفار و مؤمنین را شامل می شود، لیکن این نظارت برای مؤمنین اگر دارای اعمال صالح و شایسته باشند نوعی بشارت و تشویق بر عمل بیشتر و از سوئی دیگر موجب دعا و درخواست امام برای موفقیت های گسترده تر است، و اگر دارای اعمال خطا و آلوده به معصیت باشند، نوعی تنبیه

۱. بصائر، ص ۴۲۷

۲. بصائر، ص ۴۲۸

و هشدار و انداز است و همچنین موجب درخواست بخشش و عفو از سوی امام می‌باشد.

✽ حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید می‌فرمایند:

✓ (فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ).^۱

«ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نمی‌ماند.»

✓ (إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمِرَاغَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِنِكْرِكُمْ وَلَوْ لَا ذَلِكْ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ...)

«ما در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی و اهمال نکرده‌ایم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.»^۲

۸. کانون امید و پایداری شیعه و مکتب او

یکی از مهمترین انگیزه‌های حیات و زیستن معنی‌دار، وجود آرزو و امید به پیروزی و آینده روشن و مطلوب می‌باشد. امید و آرزوی صادق، افراد را به انسانهایی مثبت‌اندیش و کوشا و همیشه فعال تبدیل می‌سازد و مهمترین راز بقاء ماندگاری مکاتب و تمدنهاست.

وجود امام عصر علیه السلام کانونی از امید و آرزو و نوید به آینده‌ای روشن در مؤمنین ایجاد می‌کند و ضریب مقاومت و پایداری آنان را در مسیر حق و دفاع از حق چندین برابر می‌سازد.

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷
 ۲. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷، (طبرسی)

همهٔ مصلحین و متدینین، در تحمل مصائب و اقدامات اصلاحی خود یک نقطه امید و آرزو داشته‌اند و آن وجود مقدس بقیه الله علیه السلام می‌باشد.

❁ قال علی علیه السلام:

(انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُؤُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزُّوَجَلَّ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ).^۱
 «در انتظار فرج و گشایش باشید و از رحمت خدا نومید مشوید، زیرا محبوبترین کارها نزد خداوند عزوجل انتظار فرج است.»

حضرت آیت الله جوادی در توضیح معنای بقیه الله می‌فرمایند:

«در فرهنگ قرآن کریم، هر موجود منفعت بخش که از جانب رب العالمین و برای بشر خیر آفرین، سعادت ساز و دارای آثار و برکات ماندنی باشد، بقیه الله است؛ زیرا با داشتن چنین اوصافی مظهر «هوالباقی» خواهد شد؛ چنان که در کلام حضرت شعیب علیه السلام به سود و رنجی که از راه حلال به دست آید «بقیه الله» اطلاق شده است (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ).^۲ سرش آن است که سود حلال، روزی نازل شده از جانب خداوند متعال است و با توجه به انتسابش به ماورای طبیعت و بهره‌ای که از «وجه الله» دارد، می‌تواند مظهر «هوالباقی» بوده، منشأ خیرات و برکات برای انسان و وسیله‌ای برای تأمین سعادت وی باشد بنابراین، هر چیز که «وجه الله» باشد، مظهر اسم مبارک «الباقی» بوده و بقیه الله خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در معرفی اهل بیت علیهم السلام فرمود: «نَحْنُ

۱. میزان الحکمة، ح ۱۱۹۵

۲. هود/۸۶

وجهُ الله» و در وصف حضرت امام عصر علیه السلام گفته می‌شود: «أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي يَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ الْأَوْلِيَاءُ» بدین ترتیب ائمه علیهم السلام مظهر تام اسم مبارک «الباقی» و مصداق کامل بقیه الله هستند؛ هر چند که دیگران نیز از این فیض بزرگ بهره‌ای دارند.^۱

۹. امنیت از عذاب

وجود امام آرامش بخش هستی و دافع و رافع عذاب الهی بر بشریت است. وجود امام غائب، معنی بخش هستی و موجب جلب نظر رحیمانه و رحمانیه مبدأ فیض، بر عالم تکوین و تشریح خواهد بود.

قرآن کریم در منافع وجودی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

(وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ)^۲

«ای پیامبر» در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد.^۱

✽ امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ لَيُدْفَعُ بِالْمُؤْمِنِ الْوَاحِدِ عَنِ الْقَرْيَةِ الْفَنَاءِ)^۳

«خداوند به واسطه یک مؤمن فناء و نابودی را از شهر دفع می‌کند.»

بر این اساس وجود امام غائب همچون توبه و استغفار، رحمت خدا بر انسانها را جاری می‌سازد و دافع عذاب الهی از مردم است. در سخنان اهل بیت علیهم السلام به این مسئله اشارات فراوانی شده است.

۱. ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۶۲

۲. انفال / ۳۳

۳. محجة اليضاء، ج ۴، ص ۳۶۸

از امام باقر علیه السلام سؤال شد «أبِالنَّاسِ حَاجَةٌ إِلَى الْإِمَامِ؟» (آیا مردم به امام نیازی دارند؟) حضرت در پاسخ فرمودند: «أَجَلٌ لِيَرْفَعَ الْعَذَابَ عَنِ أَهْلِ الْأَرْضِ...» (بله، تا اینکه عذاب را از اهل زمین رفع کند) سپس به آیه (و مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ) استشهاد نمودند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را مخاطب قرار داده و حضرت را عامل رفع عذاب از امت معرفی می کند.

✽ امام باقر علیه السلام در حدیث دیگری می فرمایند:

(لَنْ يَزَالُوا فِي أَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ.)^۱

«مادامی که ما در بین آنهاستیم، از اینکه زمین آنها را فرو ببرد در امانند.»

۱۰ مهدی صاحب لیلۃ القدر

یکی از فضائل اهل بیت علیهم السلام اختصاص شب قدر، با تمامی عظمت و وسعتش به آنان و اختصاص سوره قدر به عنوان معرفی نامه و شناسنامه آنان است.

شب قدر، شب تقدیر هستی و امضای مقدرات انسانها و تحویل برنامه یک ساله نظام تکوین و تشریح به پیشگاه مبارک امام عصر علیه السلام است.

در سوره قدر سخن از فرود فوج فرشتگان به عالم ملک با «کلّ امر» و تماس با صاحب الامر می باشد و نزول و فرود فرشتگان بر قلب و روح مبارک حضرتش مقدور است.

حضرت آیت الله جوادی آملی پیرامون این مطلب

می فرمایند:

[فرشتگان هنگام نزول برای این مأموریتها در صحرا

فرود نمی‌آیند چنان‌که بر دریا نمی‌نشینند، بلکه قلب مبارک انسان کامل هر عصری، محل نزول آنهاست یا اینکه خود انسان کامل، فرشته را از باطن جهان طبیعت، ظاهر و نازل می‌کند.

بنابراین، همه فرشتگان برای نازل کردن هر امری یا بالا بردن هر عمل، اعتقاد یا اخلاق در هر زمان، از در ولایت امام معصوم همان زمان وارد و خارج می‌شوند و بین عالم غیب و شهود رابطه برقرار می‌کنند:

(ما من مَلَكٍ يُهْبِطُهُ اللهُ فِي أَمْرٍ مَا يُهْبِطُهُ إِلَّا بَدَأُ
الْإِمَامَ فَعَرَضَ ذَلِكَ عَلَيْهِ وَ إِنَّ مَخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ
مِنَ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى صَاحِبِ هَذَا
الْأَمْرِ)^۱

(هیچ فرشته‌ای را خدا برای کاری نازل نمی‌کند جز آنکه ابتدا بر امام وارد می‌شود و مأموریت خویش را بر او عرضه می‌دارد. به یقین «محل آمدوشد فرشتگان»، بین خدای تبارک و تعالی و بین صاحب این امر است.)

از این رو ائمه، دروازه فیض الهی هستند: «أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يَوْتِي» و در زیارت آل یاسین خطاب به امام عصر عليه السلام چنین آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ» افزون بر این، فرشتگان تحت فرمان انسان کامل هستند و برای گرفتن دستور و شرح وظایف خود بر او نازل می‌شوند. بدین ترتیب روشن می‌شود که فرشتگان دائماً در حال رفت و آمد به حضور انسان کامل هستند و او «مختلف الملائكة» است. همچنین دروازه فیض الهی است که همیشه پر تردد است.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۹۴

نکته؛ از مشخصات بارز شب قدر همانا نزول فرشتگان در آن شب است (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ) با توجه به آنچه که گذشت نزول فرشته، اختصاص به شب قدر ندارد، بلکه آنان جهت انجام مأموریت‌های محوله مدام در حال رفت و آمد به زمین هستند. آنچه که شب قدر را از این جهت ممتاز می‌کند، نزول استثنایی و ویژه فرشتگان در آن شب است؛ زیرا ظاهر قرآن این است که تمام فرشتگان مربوط به کارهای زمین و اهل زمین، در آن شب نازل می‌شوند. روح که همان جبرئیل یا فرشته‌ای بزرگتر از اوست نیز در آن شب نازل می‌شود. مأموریت همه این فرشتگان آن است که تمام امور مربوط به یک سال را در آن شب بر انسان کامل که امام معصوم عصر است عرضه کنند.^۱

۱۱. ارتباط قلمی با امام عصر علیه السلام

یکی از راههای تجربه شده و مؤثر ارتباطی و انتفاع از محضر امام غائب، نوشتن عریضه و نامه به محضر حضرت می‌باشد.

«عریضه» یعنی عرض حال و درخواست مکتوب و «عرض» یعنی بیان مطلبی از طرف فرد کوچکتر به بزرگتر.^۲ در کتاب بحارالانوار و سائر کتب مربوط به زندگی امام عصر علیه السلام سفارش شده که برای عرض حاجت و ارتباط با امام زمان علیه السلام و یا درد و دل و گفتگو با حضرت از شیوه عریضه‌نویسی استفاده شود.

۱. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۱۲۸

۲. فرهنگ معین، ج ۱، ص ۲۲۸۸

در کتاب «احقاق الحق و ازهاق الباطل» آمده است:
 (اما عقیده الغیبة فهی انّ الله حجبه عن عیون
 الناس و انه حیّ باذن الله و قد راه منهم
 البعض بین وقت و آخر، و یکاتب غیرهم و
 یتصرف بامور شیعتہ و تجد خیر مثال فی
 الطریقة التي يشجع بها الناس فی الاستعانة
 بالامام الغائب بکتابه الرقاع له...) ^۱
 «اما اعتقاد به غیبت امام زمان علیه السلام آن است که
 خداوند متعال امام دوازدهم را از چشم مردمان
 غایب نمود لکن او زنده است در حالی که بعضی از
 شیعیان ایشان را می بینند و با بعضی مکاتبه
 نموده است، همچنان ایشان در امور شیعیان
 تصرف می نمایند که از نمونه های بارز آن در یاری
 خواهی شیعیان (و انتفاع)، نوشتن عریضه به
 محضر مبارک حضرت است.»

در کتاب «میرمهر» دو خاطره در این خصوص آورده شده
 است که خلاصه آنرا خدمتتان تقدیم می داریم. ^۲

✓ آیت الله قزوینی می فرمودند: در سال ۱۳۹۲ که
 توفیق مجاورت حائر حسینی را داشتم از طرف یکی از مراجع
 معظم، امر رسیدگی به امور شهریه طلاب به عهده من
 گذارده شد.

در یکی از ماهها که شب اولش مصادف با شب جمعه
 بود، متوجه شدم برای پرداخت شهریه طلاب پولی وجود
 ندارد، به فکر افتادم که این پول را از کجا تهیه کنم؟ هر چه
 بررسی کردم، دیدم به هیچ وجه امکان تهیه آن مقدار پول در

۱. احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۲۹، ص ۶۴۴

۲. میرمهر، ص ۱۳۰-۱۳۴

آن شرایط میسر نیست. بعد از مدت‌ها فکر کردن به یاد امام زمان علیه السلام افتادم، عریضه‌ای به محضر مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام به این مضمون نوشتم:

«اگر داستان آیت الله العظمی مرحوم سید مهدی بحرالعلوم در مکه معظمه صحت دارد عنایتی بفرمایید، این پول را حواله کنید تا بتوانیم مشکل طلاب را برطرف نماییم.» سپس در همان شب، عریضه را در ضریح مقدس اباعبدالله الحسین علیه السلام انداختم. صبح زود، بین الطلوعین شخصی از تجار معروف بغداد به خانه‌ام آمد و هنگام خداحافظی وقتی می‌خواستیم او را بدرقه نمایم، پولی را از جیب خود درآورده و به من داد و گفت این پول را هر کجا که لازم می‌دانید صرف کنید.

با دیدن این امر حالت بسیار عجیبی به من دست داد و بعد از رفتن او بی‌اختیار در حالی که اشک مجالم نمی‌داد خطاب به امید عالمیان عرض کردم:

«آقا جان! آن قدر بزرگواری فرمودید که نگذاشتید حتی آفتاب طلوع کند!»

✓ همچنین آیت الله قزوینی در جای دیگر می‌فرمایند:
یک وقتی در استرالیا بودیم و یکی از دوستان ما هم به نام آقای «سید قاسم جمعه» به جهت معالجه فرزندش به آنجا آمده بود، یک روز سراسیمه و بسیار مضطرب پیش ما آمد، وقتی سبب ناراحتی‌اش را پرسیدم گفت: دکتر معالج فرزندم، وضع او را وخیم توصیف می‌کند، حالا نمی‌دانم چکار کنم، آیا او را به بیمارستان دیگری منتقل کنم یا...! به او گفتم هیچ‌یک از این کارها را لازم نیست انجام دهی، فقط کاری را که می‌گویم سعی کن با اخلاص کامل و حضور قلب انجام دهی.

او گفت: شما بفرمایید چه باید بکنم! قول می‌دهم کوچکترین تخطی از گفته‌های شما نداشته باشم.

گفتم: برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام عریضه‌ای بنویس و بهبودی فرزندت را از آن حضرت درخواست کن.

گفت: چطور باید عریضه بنویسم؟!

گفتم: فرض کن همین حالا به تو اجازه داده شده است که خدمت آن حضرت بررسی و درخواست شفای فرزندت را از آن حضرت بنمایی، به هر صورت که خودت دوست داری این کار را انجام بده.

بعد از ساعتی عریضه را نوشت و به من داد و گفت: ببینید این گونه نوشتن مناسب است؟ وقتی مطالب عریضه را خواندم، در دلم خطاب به امام زمان علیه السلام عرض کردم: آقا جان از در خانه شما هیچ کس دست خالی برنگشته و بر نمی‌گردد، این مؤمن را هم که امیدش از همه جا قطع است و این گونه به عنایت شما امیدوار شده است ناامید نفرمایید.

یادم هست که فردای همان روز حدود ساعت هشت و نیم صبح از بیمارستان به ایشان زنگ زده بودند که آزمایشات از رفع خطر و بهتر شدن حال مریض حکایت دارد. بعد از اینکه از سلامتی کامل او مطمئن شدند او را از بیمارستان مرخص کردند.

۱۲. نقطه هراس دشمنان و ستمگران

یکی از فواید وجود امام غائب ایجاد نقطه هراس و کانون وحشت و خوف برای ستمگران و صاحبان جعلی حکومتهاست، همچنان که حضرت موسی قبل از تولدش بزرگترین عامل هراس فرعون بود و پایه‌های تخت او را لرزاند و ندای «انا ربکم الاعلی» فرعون را خاموش ساخت. وجود امام غایب ما نیز از قبل از تولد تاکنون قوی‌ترین عامل

هراسناکی مستبدین و طواغیت در گذشته و مدعیان نظم نوین و حاکمان مطلق بر زمین در امروز است. نشانه‌های فراوانی وجود دارد که اندیشه مهدویت و وجود حضرتش بزرگترین مانع برای پیشروی افسار گسیخته صاحبان قدرت و حاکمان بر انسانهای مظلوم و تحت ستم است، به شکلی که وجود امام غائب همه برنامه‌ها طرحها و استراتژی‌های آنان را موقتی و همراه با تاریخ انقضاء نموده و قوانین آنان را تبدیل به فرضیه کرده است.

به‌طور مثال در عرصه هنر و فیلم‌سازی قوی‌ترین و طولانی‌ترین فیلم‌ها بر ضد اندیشه مهدویت ساخته می‌شود و این نیست مگر به خاطر وحشتی که آنان از ظهور منجی دارند. همچنین یکی از انگیزه‌های تحرکات نظامی گسترده دشمنان اسلام در خاورمیانه، کنترل و مبارزه با اندیشه مهدویت است. مسئله هراس دشمن چه در ایام غیبت و چه در ایام ظهور، از امدادهای غیبی خداوندی بر حضرت می‌باشد.

✽ قرآن کریم می‌فرماید:

(سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ) ^۱

«به زودی در دل‌های کافران، به خاطر شرکی که

به خدا ورزیدند رعب و ترس می‌افکنیم.»

امام باقر علیه السلام در توصیف شباهت‌های حضرت مهدی علیه السلام

به انبیاء از جمله به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

(و امّا شبّههُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصِطَفَى فَخُرُوجُهُ
بِالسَّيْفِ وَ قَتْلُهُ اَعْدَاءَ اللَّهِ وَ اَعْدَاءَ رَسُولِهِ وَ
الْجَبَّارِينَ وَ الطَّوَاعِيَةَ وَ اَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَ

الرُّعْبِ...)^۱

«اما شباهتی که به جدش محمّد مصطفی ﷺ دارد، قیام به شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول او و جباران و گردنکشان و پیروزی وی به وسیله شمشیر و رعبی است که در دلها پدید می آورد.»

۱۳. تنظیم امور فرشتگان ارضی (زمینی)

یکی از فوائد امام غایب ﷺ، تنظیم امور فرشتگان زمینی برای انجام مأموریتها و فرامین الهی است.

آیت الله جوادی در کتاب «ادب فنای مقربان» در تفسیر (و مختلف الملائکه «اهل بیت محل رفت و آمد فرشتگان هستند») می فرماید:

«ملائکه ارضی برای انجام تمام مأموریت‌هایی که به آنها محوّل می شود، ابتدا خدمت امام معصوم ﷺ هر عصر می روند و مأموریت خود را بر او عرضه می کنند:

(ما من مَلَكٍ يُهْبِطُهُ اللهُ فِي أَمْرٍ يَهْبِطُهُ إِلَّا بَدَأَ بِالإِمَامِ فَعَرَضَ ذَلِكَ عَلَيْهِ وَإِنَّ مَخْتَلَفَ الملائكة من عند الله تبارك و تعالی إلى صاحب هذا الامر.)^۲

اهیچ فرشته‌ای را خدا برای کاری نازل نمی کند، جز آن که ابتدا بر امام وارد می شود و مأموریت خویش را بر او عرضه می دارد. به یقین «محل آمد و شد فرشتگان»، بین خدای تبارک و تعالی و بین صاحب این امر است. ا.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۴

تذکره: با توجه به آنچه گذشت، قلب مطهر امام زمان هر عصری _ که انسان کامل و کامل‌ترین انسان عصر خویش است _ محل نزول و فرود فرشتگان الهی است و او میزبان تمام آنهاست.

بنابر این، در این عصر که ما در آن زندگی می‌کنیم سگان هدایت کشتی انسانها و اداره نظام آفرینش به دست حضرت بقیه الله، صاحب العصر و الزمان سپرده شده، میزبانی ملائکه نیز به عهده ایشان است.»

۱۴. ادعیه امام غائب در حق مؤمنین و استجابات دعاها

یکی از فواید وجودی امام غائب، پشتیبانی نمودن از مؤمنین از طریق دعا و ارتباط با خداست.

✽ قرآن کریم می‌فرماید:

(قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ...)^۱

«بگو: پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد...»

بر اساس این آیه، افاضه فیض خدا بر انسان از طریق دعا، درخواست فیض خواهی، نیایش و خواستن می‌باشد. حال اگر دعا کننده در حق ما، امام زمان باشد، عنایتهای الهی صد چندان خواهد شد. لذا در دعای ندبه و سائر دعاها یکی از درخواستهای ما از خدا، درخواست رأفت و خیر و دعای امام زمان علیه السلام در حق ما می‌باشد:

(وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَائَهُ وَ خَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ...)

«و ببخش بر ما رأفت و مهربانی و دعا و خیر آن

حضرت را بدان حد که برسیم بدان وسیله به
رحمت وسیع تو...»

از سوی دیگر اساساً به واسطه فیض وجود امام زمان علیه السلام است که دعای مؤمنین به درجه استجابت خواهد رسید، لذا در دعای ندبه می‌خوانیم: «... وَ دُعَائِنَا بِهِ مُسْتَجَابًا...» و دعاهايمان را به وسیله او مستجاب شده قرار ده.

در کتاب احتجاج طبرسی و در روایات اهل بیت علیهم السلام در خصوص دعاهاى ائمه طاهرين علیهم السلام و تأثیرات آن در حق شیعیان چنین آمده است:

(لَأَنَّنَا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِم بِالذَّعَاءِ الَّذِي لَا يُحَجَّبُ
عَنْ مَلِكِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ فَلَتَطْمَئِنَّ بِذَلِكَ مِنْ
أَوْلِيَائِنَا الْقُلُوبُ وَلَيَتَّقُوا بِالْكَفَايَةِ مِنْهُ وَ ان
رَاعَتَهُمْ بِهِمُ الْخُطُوبُ).^۱

«چرا که ما، مؤمنان شایسته کردار را، با نیایش و دعایی که از فرمانروای آسمان‌ها و زمین پوشیده نمی‌ماند، حفاظت و نگهداری می‌کنیم. و به همین خاطر، دل‌های دوستان ما به دعای ما آرامش و اطمینان می‌یابد و به کفایت آن آسوده خاطرند گرچه درگیری‌های هراس‌انگیز، آنان را به دلهره افکند.»

❁ الامام الصادق علیه السلام :

(كَانَتْ فَاطِمَةُ إِذَا دَعَتْ تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا، فَقِيلَ لَهَا، فَقَالَتْ:
الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ).^۲

«فاطمه علیه السلام هرگاه دعا می‌کرد برای مردان و زنان

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۹

۲. میزان الحکمة، ح ۵۷۳۴

مؤمن دعا می کرد و برای خودش دعا نمی کرد در این باره از آن حضرت سؤال شد، فرمود: اول همسایه بعد خانه.»

✽ الامام الصادق علیه السلام:

(دعاء المؤمن للمؤمن يدفع عنه البلاء و يُدِرُّ عليه الرزق.)^۱

«دعای مؤمن در حق مؤمن، بلا را از او دور می کند و روزیش را زیاد می گرداند.»

سید بن طاووس (ره) می فرماید:

سحرگاهی در سرداب مقدس بودم، ناگاه صدای مولایم را شنیدم که برای شیعیان خود چنین دعا می کردند:

(اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شِعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طِينَتِنَا وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اتَّكَالًا عَلَيَّ حُبِّنَا وَ وِلَايَتِنَا فَإِنَّ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَاصْلِحْ بَيْنَهُمْ وَ قَاصِّ بِهَا عَن حُمْسِينَا وَ ادْخُلْهُمْ الْجَنَّةَ وَ رَجِّزْهُمْ عَنِ النَّارِ وَ لَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ.)^۲

«خدایا! شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق شده اند؛ آنها گناهان زیادی با اتکا بر محبت به ما و ولایت ما انجام داده اند، اگر گناهان آنها گناهی است که در ارتباط با توست، از آنها بگذر که ما راضی هستیم و آنچه از گناهان آنها را در ارتباط خودشان هست، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آنها بده

۱. میزان الحکمة، ح ۵۷۳۶

۲. همان

تا راضی شوند و آنها را از آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در سخط خود جمع مفرما.» همچنین سید بن طاووس (ره) در کتاب مهج الدعوات نیز چنین آورده است:

در شب چهارشنبه ۲۳ ذیقعده الحرام سال ۶۳۸ قمری در «سُرَّ مَنْ رَأَى» بودم سحرگاهان در سرداب مطهر می شنیدم که آن حضرت در حق شیعیان خود به این عبارت دعا می فرمود:

(إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبِرِّ وَ الْبِحَرِّ تَفَضَّلْ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَى مَرَضِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصِّحَّةِ وَ عَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ وَ الْكِرَامَةِ وَ عَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ...)

«خدایا! به حق آنکه با تو مناجات کرد و به حق آنکه در خشکی و دریا تو را خواند، بر فقرای مؤمنین به غنا و ثروت و بر بیمارانشان شفا و سلامتی و بر زندگانشان به لطف و کرم و بر امواتشان به مغفرت و رحمت و بر مسافران و غریبانشان بازگشت به وطن هایشان تفضل فرما...»

فوائد غیبت

در نگاه اول غیبت امام عصر علیه السلام موجب خسارتهای گوناگون معنوی و اخلاقی برای همه بشریت، بخصوص مسلمین و شیعیان حضرت می باشد، اما از آنجا که غیبت امری حکیمانه از طرف خدای متعال است و برای مؤمن هر شراطی و هر تهدیدی می تواند تبدیل به فرصت شود، همچنین غیبت امام عصر علیه السلام برای مؤمنین ثمراتی تربیتی و آخرتی خواهد داشت که به تعدادی از آن اشاره می نمائیم.

۱. پرورش نیرو

یکی از فوائد غیبت، تربیت نیرو و آماده شدن نیرو و کادر مقتدر و صالح برای یاری رساندن به امام زمان علیه السلام است.

❀ قرآن کریم می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ
فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ
اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.)^۱

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از

آیین خود باز گردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراس ندارند، این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و فضل خدا وسیع و خداوند داناست.»

از این آیه معلوم می‌گردد دوره غیبت، دوره فراهم آمدن شرایط برای پرورش نیروهای با وفا و متعهد به امر ولایت برای یاری رساندن به دین می‌باشد.

❁ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

القائم عليه السلام لَنْ يَظْهَرَ أَبَدًا حَتَّى تَخْرُجَ وَدَائِعُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (یعنی المؤمنین من أصلاب الكافرين) فإِذَا خَرَجَتْ ظَهَرَ عَلَى مَنْ ظَهَرَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَتَلَهُمْ.^۱

«قائم عليه السلام هرگز ظهور نکند تا آنگاه که امانتهای خدای تعالی بیرون آیند (یعنی مؤمنان از صلب کافران) پس، هر گاه آنان بیرون آمدند قائم بر دشمنان خدا چیره می‌شود و آنها را می‌کشد.»

۲. رشد عقلانی شیعه و اجتهاد دینی

یکی از دوره‌های سخت ایمانی و دینی در تمدن اسلامی شیعی، دوران غیبت امام عصر علیه السلام است. این دوره که شرایط خاص، رویدادها و ناهنجاریهای فراوان اخلاقی و دینی دارد، صحنه آزمایش سختی برای اهل ولایت و پیروان اهل بیت علیهم السلام است، لکن در ازای سختی و تحمل بحران‌ها و

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۱

ناهنجاری‌های گوناگون، شیعه خالص به رشد عقلانی و ارتقاء فهم و ایمان مستحکم دست خواهد یافت. شیعیان دوران غیبت از جهت عقل و فهم مورد ستایش اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته‌اند، چرا که دوره پویایی علمی و اجتهاد و فقاہت و تلاش چند برابر آنان، در دفاع علمی و عملی از آرمانها و ایده‌ها و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد.

❁ قال الصادق علیه‌السلام :

(رَأَى الْمُؤْمِنِ وَ رُؤْيَاهُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ أَجْزَاءِ النَّبُوءَةِ).^۱
 «رای مؤمن و خواب دیدنش در آخرالزمان جزئی از هفتاد جزء پیغمبریست.»

علامه مجلسی (ره) در بیان این روایت می‌فرمایند:

(لَمَّا غَيَّبَ اللَّهُ تَعَالَى فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَنِ النَّاسِ حُجَّتَهُمْ تَفَضَّلَ عَلَيْهِمْ وَ اعطاهم رأياً في استنباط الاحكام الشرعية مما وصل إليهم من أئمتهم و لما حجب عنهم الوحي و خزانة اعطاهم الرؤيا الصادقة ازید مما كان لغيرهم ليظهر عليهم بعض الحوادث قبل حدوثها).^۲

«چون خداوند تعالی در آخرالزمان حجت خود را از مردم نمان کرده، بدانها رأی و نظر در استنباط احکام از آنچه از ائمه‌شان علیهم‌السلام رسیده را تفضل کرده و چون وحی و گنجدارانش را از آنها باز گرفت، بدانها پیش از دیگران خوابهای صادق داد تا برخی رویدادها را پیش از پدید آمدن به آنها بنمایاند.»

۱. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۷۷

۲. همان

همچنین امام مجاهد علیه السلام می فرمایند:

(یا ابا خالد إنَّ اهل زمانِ غیبتِه و القائلین بامامتِه و المنتظرین لِظهورِه افضلُ من اهل کلِّ زمانٍ لانَّ اللهَ تَعالی ذکرُهُ اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفة ما صارت به الغیبة عنهم بمنزلة المُشاهدَة و جعلهم فی ذلک الزمان بمنزلة المجاهدين بین یدی رسول الله بالسيف اولئک المخلصون حقاً و شیعتنا صدقاً و الدعاء الی دین الله سیراً و جهرأ.)^۱

«ای ابوخالدا مردمان زمان غیبت که به امامت او معتقد گردند و منتظر ظهور او باشند بهترین مردمان خواهند بود، زیرا خداوند به اندازه‌ای به آنان فهم و عقل مرحمت کرده که غیبت در نظر آنان به منزله مشاهده است، و مردم آن زمان مانند کسانی که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله به جهاد پرداخته باشند، محسوب خواهند شد، آنها حقاً بندگان خالص و شیعیان راستگو هستند و همین افراد هستند که مردم را به طرف دین خداوند آشکارا دعوت می کنند.»

۳. ثواب و افزایش ضریب پاداشهای مؤمنین

یکی از ثمرات غیبت امام عصر علیه السلام افزایش پاداش معنوی و ضریب پیدا نمودن اثرات وجودی و ثواب اعمال مؤمنین دوران غیبت امام عصر علیه السلام است، زیرا همچنان که شرائط غیبت شرائطی سخت برای حفظ دین و معنویت است

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۷

و محرومیت از حضور امام زمان علیه السلام یک محرومیت بزرگ معنوی است، در مقابل، مراقبت از ایمان و حفظ ثبات قدم و صبر بر این محرومیت، پاداش مؤمنین را دهها برابر افزایش خواهد داد که فرموده‌اند: (أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا)^۱ «برترین اعمال سخت‌ترین آنهاست.»

در روایات و سخنان اهل بیت علیهم السلام برای مؤمنین دوران غیبت، پاداش مجاهدین در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد و فضیلت پنجاه برابر بیشتر از مجاهدین حاضر در این جنگها (بدر و احد) قائل شده‌اند.

✽ الامام الصادق علیه السلام :

(الْمُنْتَظِرُ لِلثَّانِي عَشْرَ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَذُبُّ عَنْهُ.)^۲

«کسی که منتظر و چشم به راه دوازدهمین (امام) باشد مانند کسی است که با شمشیر کشیده، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دفاع می‌کند.»

✽ الامام زین العابدین علیه السلام :

(مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَلَايَتَنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أُعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ.)^۳

«هر که در روزگار غیبت قائم ما، بر ولایت ما استوار بماند خداوند پاداش هزار شهید به مانند شهیدان بدر و احد را به وی عطا فرماید.»

✽ رسول اکرم صلی الله علیه و آله :

(سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمْ، الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَحْنُ

۱. بحار، ج ۶۷، ص ۱۹۱

۲. میزان الحکمة، ح ۱۲۰۴

۳. میزان الحکمة، ح ۱۱۸۴

كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَ أَحَدٍ وَ حُنَيْنٍ وَ نَزَلْنَا فِيْنَا
الْقُرْآنُ! فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا [تُحْمَلُونَ]
لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ.^۱

«پس از شما مردمی خواهند آمد که یکی از آنان
اجر و پاداش پنجاه نفر از شما را دارد. عرض
کردند: ای پیامبر خدا! ما در بدر و احد و حنین با
شما بودیم و قرآن در میان ما نازل شد؟! فرمود:
اگر آنچه بر سر ایشان می آید بر سر شما بیاید
مانند آنان صبر و شکیبایی نمی کنید.»

۴. شکست سیاستهای ناپاک و مطالبه سیاست پاک

یکی از فوائد غیبت امام عصر علیه السلام بالا رفتن رشد سیاسی
اجتماعی بشر، پس از خستگی و واماندگی جهانیان از
سیاستها و نظامهای سیاسی، مصنوعی و خود ساخته و
مطالبه سیاست پاک و سیاستمدار الهی و آسمانی است.
گذشته بشر نشان می دهد که عدم رشد و بلوغ سیاسی
او، امکان حکومت به بدترین جائران و مستبدان و حاکمان را
داده است. وجود این انسانهای مظلوم و ظلم پذیر و عدم
حمایت آنان از سیاستمداران الهی بوده که صحنه را برای
نمایش اقتدار قدرتمندان زورمدار و جائر فراهم آورده است.
یکی از فوائد غیبت، ایجاد تحول و تکامل و بلوغ سیاسی و
درخواست سیاست پاک و سیاستمداران پاک و الهی می باشد.

❁ امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

[دَوْلَتُنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَنْ يَبْقَى اَهْلُ بَيْتِ لِهْم
دَوْلَةٌ اِلَّا مَلَكَوْا قَبْلَنَا لئَلَّا يَقُولُوا اِذَا رَاوْا سَيْرَتَنَا
اِذَا مَلَكَنَا سِيرْنَا مِثْلَ سَيْرَةِ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللّٰهِ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۳۰

عَزَّوَجَلَّ «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۱]

[دولت ما آخرین دولتهاست، هر گروه و خاندانی که بتوانند سلطنت کنند پیش از ما به سلطنت می‌رسند تا هنگامی که ما بر سر کار آمدیم و روش دولت ما را دیدند، نگویند اگر ما به سلطنت می‌رسیدیم مانند اینان (آل محمّد) عمل می‌کردیم و این است معنای آیه شریفه (والعاقبة للمتقين)^۲

۱. اعراف/۱۲۸

۲. به نقل از غیبت شیخ طوسی و بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۳۳۲

فهرست منابع:

- تحف العقول _ ابن شعبه صرّافی
 اصول کافی _ ثقة الاسلام کلینی (ره)
 بحار الانوار _ علامه مجلسی (ره)
 تفسیر نمونه _ آیه الله مکارم شیرازی
 کمال الدین و تمام النعمة _ شیخ صدوق (ره)
 تفسیر المیزان _ علامه طباطبائی (ره)
 ادب فنای مقربان _ آیه الله جوادی آملی
 ینابیع المودّة
 نهج البلاغه _ سید رضی (ره)
 صحیفه سجّادیه
 رسائل شریف _ المرتضی
 چشم به راه مهدی علیه السلام _ جمعی از نویسندگان
 میرمهر
 من لا یحضره الفقیه _ شیخ صدوق (ره)
 بصائر _ محمد بن حسن صفّار قمی
 احتجاج _ شیخ طبرسی (ره)
 میزان الحکمة _ محمدی ری شهری
 محجّة البیضاء _ ملا محسن فیض کاشانی
 فرهنگ معین
 الحقائق الحق و ازهاق الباطل _ قاضی نورالله شوشتری

تعدادی از کتب منتشر شده مؤلف:

۱. صراط اندیشه / سیرمطالعائی کتب شهید مطهری / رقعی / ۱۱۲ صفحه
۲. مدیریت زمان (۱) / بحثی پیرامون ارزش وقت و استفاده مناسب از آن / پالتویی / ۵۲ صفحه
۳. مدیریت زمان (۲) / بحث تکمیلی مدیریت زمان (۱)
۴. مدیریت زمان (۳) / ویژه شبهای قدر / پالتویی / ۱۵۲ ص
۵. شهاب قبس / راهکارهای تربیت فرزند بر محبت اهل بیت علیهم السلام / رقعی / ۷۰ صفحه
۶. از گل به گل / بررسی رفتارشناسی شیعه با توجه به نماد زنبور عسل / رقعی / ۱۱۲ صفحه
۷. چشمان بارانی / تحلیلی بر گریستن / رقعی / ۱۲۰ صفحه
۸. نامها و نامگذاریها / پالتویی / ۱۲۴ صفحه / ۳۰۰۰ نام برای کودک
۹. بهشت اخلاق (۱) و (۲) / بررسی فرمبندی شده ۳۱۳ واژه اخلاقی / وزیری / ۸۰۰ صفحه
۱۰. مکتب اخلاقی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / توضیح یک روایت اخلاقی از پیامبر / پالتویی / ۱۳۲ صفحه
۱۱. مجرمین و جرم شناسی عاشورا / بحثی پیرامون ریشه های جرم یزیدیان و یزید صفتان / رقعی / ۱۲۰ صفحه
۱۲. فراموشم مکن / ۲۸ حق از حقوق والدین پس از مرگ / جیبی / ۶۰ صفحه
۱۳. مدیریت فرهنگی اعتکاف / رقعی / ۵۶ صفحه
۱۴. فرهنگ فاطمیه / فرهنگ الفاظ و اصطلاحات مرتبط با شخصیت حضرت زهرا علیها السلام / وزیری / ۶۲۴ صفحه
۱۵. اندیشه آینه ای زلال / بررسی جنبه های گوناگون تفکر و اندیشه / وزیری / ۱۸۴ صفحه
۱۶. مدیریت خانواده (۱) / با موضوع ازدواج، (پالتویی / ۱۳۲ صفحه)
۱۷. مدیریت خانواده (۲) / بحث تکمیلی مدیریت خانواده (۱) / پالتویی / ۸۴ صفحه
۱۸. مدیریت خانواده (۳) / بحث تکمیلی مدیریت خانواده (۲) / پالتویی / ۱۲۰ صفحه
۱۹. فرهنگ جوان / ۶۰۰ نکته تربیتی در موضوع جوانان / وزیری / ۶۴۴ صفحه
۲۰. مدیریت فرهنگی (۱) / سازمان و سازمان دهی / پالتویی / ۱۴۲ صفحه
۲۱. مدیریت فرهنگی (۲) / محتوا / پالتویی / ۱۳۲ صفحه
۲۲. مدیریت فرهنگی (۳) / شیوه ها / پالتویی / ۱۹۲ صفحه
۲۳. اخلاق علوی - گل روی علی علیه السلام / بررسی ۱۱۰ صفت حضرت علی علیه السلام از زبان قنبر / پالتویی / ۱۴۶ صفحه
۲۴. تفکر سبز / راهکاری برای تفکر در موضوع امام زمان علیه السلام / رقعی / ۸۸ صفحه
۲۵. انتظار و وظایف منتظران / رقعی / ۱۲۰ صفحه
۲۶. دسته چک اخلاقی / ۱۰۳ صفت مؤمن کامل در قالب دسته چک
۲۷. مدیریت زیارت امام حسین علیه السلام / پالتویی / ۱۸۹ صفحه